

کپی‌رایت و کشورهای جهان سوم

آقای حسین الحَموی

عضو اجلاس اتحادیه نویسندگان عرب

و رئیس تحریریه مجله المعرفة

از این‌که این فرصت خوب را به من دادید متشکرم. چند نکته دارم که به اختصار بیان می‌کنم.

نکته اول در باره نشر و نوآوری است؛ چه، این موضوع به فکر و مالکیت فکری مربوط می‌شود.

نکته دوم موضوع تعدد سازمان‌ها و مؤسسات تأسیس شده برای حمایت از حقوق مالکیت فکری است.

نکته سوم این است که سازمان جهانی مالکیت فکری از دولت‌های ضعیف و فقیر و دولت‌های جهان سوم چه می‌خواهد؟

نوآوری، به مفهوم فلسفی و علمی آن، همواره بحث و جدلی سخت را میان روانشناسان، جامعه‌شناسان و علمای فضا و تکنولوژی برانگیخته است. برخی بر آن‌اند که در هر کار ابداعی، عنصری فردی دخیل است و گروهی دیگر معتقدند که آگاهی جمعی و انعکاس محیط واقعی است که نشانه‌های پیشرفت و اختراع و اکتشاف را در فعالیت انسانی نمایانگر

می‌سازد. مشکل در تعریف اختراع، ابتکار، اضافه، بازسازی، ویرایش و ابداع است. این چاست که مشکل رخ می‌نماید. اگر موضوع فقط ابداع بود اصلاً مشکلی وجود نداشت. مشکل این جاست که از ابداع، ابتکار و از ابتکار، اختراع و از اختراع، اضافه و پدید آوردن چیزی تازه منشعب می‌شود. و نیز (موضوع) همه کسانی هستند که این عملیات را انجام می‌دهند و یا سامان می‌بخشند.

دوم این است که آیا نوآوری فردی است یا جمعی؟ آیا نوآوری زاده عصر و زمان خود است یا فرزند تراکم اعصار و زمان‌های گذشته؟ من می‌گویم: ابداع، عملی گروهی و اجتماعی است و یک دگرگونی است که در گذر زمان اتفاق می‌افتد. به این ترتیب، رابطه‌ای دو سویه میان اندیشه و زمان وجود دارد. بنابراین سؤالی که قویاً مطرح می‌شود این است که: ما باید امروزه چه‌گونه بیندیشیم؟ آن هم در جهانی که قوی می‌کوشد خواسته‌های خود را، از طریق تمایلی که ضعیف به ابداع و تکنولوژی دارد، در تمامی جهان اندیشه تحمیل کند و شرط است که خواسته‌های دیگری با قوانین و احکامش وجود داشته باشد؛ به‌خصوص این‌که فاصله زمانی از لحاظ قانون‌گذاری چشمگیر شده است. به این ترتیب، قدرت برتر در یک سوی این رودخانه قرار گرفته است و قایق‌هایی دارد که به هر سمت و سو که بخواهد می‌فرستد، و در سوی دیگر این رود، دیگران، از جمله ما دولت‌های جهان سوم، قرار داریم که با چشمان خیره به او می‌نگریم؛ و مسأله میان ما و او این است که او می‌کوشد به وسیله علم، که در آن نسبت به دیگران پیشتاز و مقدم است، این فکر را - که ندای فراگیر شدن آن را سر می‌دهد - به خدمت خود درآورد که او در راستای پیوند و آشتی میان علم و اندیشه کار می‌کند.

اگر جهان جدید (منظور دولت‌های پیشرفته اروپایی و امریکایی است) خانواده‌ای واحد را تشکیل می‌دهند و انسان در این جهان، با همه

اختلاف مشرب‌های فکری و نژادی، مورد اهتمام این کوشش معرفتی قرار می‌گیرد، چرا نباید این معارف و علوم و اکتشافاتی که در حوزه دولت‌های پیشرفته قرار گرفته است، در میان همه بشریت و در دسترس خانواده انسانی قرار بگیرد؟ امید که از سخن من این‌طور برداشت نشود که من سرقت علوم و اطلاعات را مجاز و یا درست می‌دانم. و نیز این‌طور برداشت نشود که به تساوی و توازی میان کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند قائل هستم.

من می‌گویم: نوآوری همچون عملیات شیمیایی مرکبی است که پدید آمدن آن مشروط به وجود عناصری ذاتی و موضوعی (= قراردادی) است و در بافت آن، تار و پودهایی از نهاد و سرشت انسان، از آغاز پیدایش تاریخ مدون بشر تا پایان جهان به هم تنیده شده است، به گونه‌ای که تمیز و جدا کردن آنچه از میراث تمدنی به طور پنهان به زمان حاضر منتقل شده از آنچه محصول زمان کنونی است دشوار است؛ همان‌طور که نمی‌توان میان یک ماده شیمیایی و ماده دیگر پس از عملیات ترکیب - که به ناگزیر از آن مواد ترکیبی جدیدی پدید می‌آید و توصیف تازه‌ای از آن ماده به دست می‌دهد - تمیز قائل شد. و هر قدر ابداع‌کننده ماهرتر و عمل ترکیب شیمیایی موفقیت‌آمیزتر باشد، محصول کار، منحصر به فرد و برجسته خواهد بود. اگر تاریخ را در نظر بگیریم، قدرت‌های برتر می‌کوشند حافظه تاریخی ملت‌ها را از آن‌ها بگیرند. در این باره مثال خوبی می‌آورم. تمدن و پیشرفت تکنولوژیک که ایالات متحده آمریکا هم‌اکنون به آن دست یافته است، باید پرسید از کجا و حاصل چند سال است؟ ایالات متحده پانصد سال است که کشف شده. از پانصد سال پیش تا کنون این دولت از قوی‌ترین دولت‌های جهان بوده و هم‌اکنون بر آن‌ها حکم می‌راند و از همه آن‌ها پیش است و ما به این امر معترفیم؛ و نیز معترفیم که مقدرات علم و تکنولوژی را به دست دارد. اما سؤالی که قویاً مطرح

می‌شود این است که آیا این دولت‌ها فراموش کرده‌اند که امریکا در تشکیل این علم و تمدن جدید از علم و تمدن‌های گذشته اخذ و اقتباس کرده است؟ آیا این علم کنونی که در امریکاست زاده‌ی زمان حاضر و همین پانصد سال اخیر است؟ تمدن یونانی، ایرانی، عربی، چینی، همه‌ی این تمدن‌ها در نوآوری دخالت داشته‌اند و این نکته مهمی است. بنابراین، همگی ما در آنچه در امریکا تولید می‌شود شریک هستیم. و درست نیست که امریکا یا فرانسه یا آلمان یا هر دولت دیگری در دنیا ادعا کند که این علم را تنها در زمان خودش تولید کرده است. چرا که این علم امتداد میراثی - تمدنی - فرهنگی است که در تسلسلی تاریخی به گردش درآمده و به آن‌ها رسیده و ما در آن مشارکت داریم. تمدن عربی، تمدن ایرانی و همه‌ی تمدن‌های انسانی در این امر شرکت داشته‌اند؛ لذا حق ماست که شریک علم و پیشرفت باشیم.

ما و پدرانمان حق داشتیم و داریم که از این علم جدید استفاده کنیم. گذشته و حال و آینده در یک حلقه زنجیر هستند، اما فاصله‌گذاری تاریخی میان گذشته و لحظه‌ای که عمل ابداع در آن انجام می‌شود، حق ابداع کننده است. و ما معتقدیم که حق ابداع‌کننده بر عهده ماست و باید حقوق او را حفاظت کنیم.

علم حق ملل ضعیف و فقیر نیز هست؛ ملت‌هایی که علم قطره قطره به آن‌ها داده می‌شود. باید از این تکنولوژی در برابر بهره‌وران بد حفاظت کرد. جهان سوم می‌کوشد در تکنولوژی پیشرفت کند ولی اغلب از آموختن آن محروم است. این تکنولوژی نباید در دولت‌های صنعتی منحصر باشد و ما تابع آن دولت‌ها باشیم تا هرگونه بخوانند تکنولوژی را از آن‌ها بگیریم؛ آن‌ها قوانینی وضع کنند و ما آن قانون‌ها را هر طور که بخواهند اخذ نماییم. نه، این ظلم است. ما در خانواده بشری برادریم و باید با احترام با یکدیگر تعامل کنیم. اما اگر قوی چیره باشد چنین می‌شود

که در این عصر می‌بینیم که نیروهای قوی‌تر مسلط‌اند. ما ضعیفان حق داریم؛ فرزندان ما در مدرسه و دانشگاه و آحاد مردم ما حق دارند که از علم و تکنیک بهره‌مند شوند. باید قوانین دگرگون شوند و ما اجازه نداریم که با صرف ده‌ها هزار دلار حق خودمان را بگیریم و این عمل نادرست را انجام بدهیم.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی